

پہلے ن لوگ، شبِ رقہ

۱۹۹۹ء

پہلے ن لوگ (پہلے ن لوگ) ان پبلشرز پرائیویٹ

پہلے ن لوگ (پہلے ن لوگ) ان پبلشرز پرائیویٹ

پہلے ن لوگ (پہلے ن لوگ) ان پبلشرز پرائیویٹ

پہلے ن لوگ

پہلے ن لوگ (پہلے ن لوگ) ان پبلشرز پرائیویٹ

پہلے ن لوگ (پہلے ن لوگ) ان پبلشرز پرائیویٹ

پہلے ن لوگ (پہلے ن لوگ) ان پبلشرز پرائیویٹ

پہلے ن لوگ (پہلے ن لوگ) ان پبلشرز پرائیویٹ

پہلے ن لوگ (پہلے ن لوگ) ان پبلشرز پرائیویٹ

پہلے ن لوگ (پہلے ن لوگ) ان پبلشرز پرائیویٹ

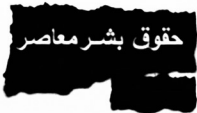
پہلے ن لوگ (پہلے ن لوگ) ان پبلشرز پرائیویٹ

پہلے ن لوگ (پہلے ن لوگ) ان پبلشرز پرائیویٹ

پہلے ن لوگ (پہلے ن لوگ) ان پبلشرز پرائیویٹ

پہلے ن لوگ (پہلے ن لوگ) ان پبلشرز پرائیویٹ

پہلے ن لوگ (پہلے ن لوگ) ان پبلشرز پرائیویٹ



جستارهایی تحلیلی در حقها و آزادیها

کتابساز
نشر نگاه معاصر

سید محمد قاری سید فاطمی

فهرست

۱۷	پیش درآمد (از آقای دکتر هدایت الله فلسفی)
۲۳	مقدمه
۲۷	بخش یکم. حق ها و آزادی های عام در حقوق بشر معاصر
۲۹	فصل یکم. حق حیات
۳۰	گفتار یکم تحلیل مفهومی و مبانی نظری
۳۰	۱. مفهوم حق حیات
۳۰	۲. تحلیل مفهومی: حق حیات، ادعایی با سه مکلف
۳۲	۳. تحلیل مفهومی: حق حیات «حق مثبت» یا «حق منفی»؟
۳۳	۴. ماهیت حق حیات: «انتخاب» یا «انتفاع»؟
۳۵	۵. مبانی توجیهی حق حیات
۳۸	گفتار دوم. حق حیات در اسناد حقوق بشری
۳۸	۱. بنیادی ترین حق انسانی
۴۰	۲. مجازات اعدام
۴۲	۳. مسأله کشتار جمعی
۴۳	۴. مسأله مرگ آسان
۴۶	۵. حق حیات و مسأله سقط جنین
۴۹	۶. مسأله انتحار
۵۳	فصل دوم. منع شکنجه، مجازات و رفتارهای بی رحمانه و غیر انسانی
۵۳	پیش گفتار

پیش‌گفتار ۹۳

گفتار یکم. تحلیل مفهومی و مبانی نظری ۹۴

۱. تحلیل مفهومی آزادی بیان ۹۴

۲. مبانی نظری آزادی بیان ۹۶

۱-۲-۱. رویکرد عمل‌گرایانه در توجیه حق برآزادی بیان ۹۶

۲-۲-۲. توجیه غایت‌مدارانه انسانی ۹۸

۳-۲-۲. توجیه حقوق طبیعی مدار آزادی بیان ۹۹

۴-۲-۲. دموکراسی و ضرورت آزادی بیان ۱۰۰

۵-۲-۲. توجیه بر مبنای اندیشه‌آفرینی زبان ۱۰۱

گفتار دوم. آزادی بیان در اسناد بین‌المللی حقوق بشر: تحلیل محتوایی ۱۰۳

۱. منشور بین‌المللی حقوق بشر و آزادی بیان ۱۰۳

۲. اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۰۳

۲-۱-۲. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۰۴

۲. استاد عام منطقه‌ای حقوق بشر و آزادی بیان ۱۰۵

۱-۲-۱. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۰۵

۲-۲-۲. کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۱۰۶

۳-۲-۲. منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها ۱۰۷

۳. استاد خاص حقوق بشری و آزادی بیان ۱۰۷

۱-۳-۱. آزادی بیان در کنوانسیون حقوق کودک ۱۰۸

۲-۳-۲. آزادی بیان در کنوانسیون حمایت از حقوق کارگران مهاجر ۱۰۹

۴. محدودیت‌های آزادی بیان ۱۱۰

۱-۴-۱. طرح موضوع ۱۱۰

۲-۴-۲. محدودیت‌های آزادی بیان: توجیه نظری ۱۱۱

۳-۴-۲. محدودیت‌های آزادی بیان در اسناد حقوق بشری ۱۱۳

فصل پنجم. آزادی مذهب ۱۳۱

پیش‌گفتار ۱۳۱

گفتار یکم. تحلیل مفهومی و مبانی نظری ۱۳۲

۱. تحلیل مفهومی ۱۳۲

۱-۱-۱. مفهوم عقیده و مذهب ۱۳۲

۲-۱-۲. تحلیل مفهومی حق بر آزادی عقیده و مذهب ۱۳۳

گفتار یکم. تحلیل مفهومی و مبانی نظری ۵۴

۱. تحلیل مفهومی ۵۴

۱-۱-۱. تحلیل مفهوم «حق» ۵۴

۲-۱-۲. تحلیل مفهوم «شکنجه» ۵۵

۲. مبانی توجیهی منع مطلق شکنجه ۵۷

۱-۲-۱. مقدمه ۵۷

۲-۲-۲. منع شکنجه در ترازوی اخلاق کانتی ۵۸

۳-۲-۲. منع شکنجه در ترازوی اخلاق فایده‌گرا ۶۰

۴-۲-۲. منع شکنجه در ترازوی اخلاق فضیلت‌مدار ۶۱

۵-۲-۲. منع تجویز در سراسییبی لغزنده ۶۳

گفتار دوم. منع شکنجه، مجازات و رفتارهای بی‌رحمانه و غیر انسانی در اسناد حقوق بشری ۶۴

۱. اسناد عمومی ۶۴

۲. اسناد ویژه حقوق بشری ۶۶

۳. منع شکنجه و مسأله منع اخراج و استرداد افراد ۶۷

فصل سوم. حق مشارکت سیاسی ۷۱

پیش‌گفتار ۷۱

گفتار یکم. تحلیل مفهومی و مبانی نظری ۷۱

۱. تحلیل مفهومی ۷۲

۱-۱-۱. تحلیل مفهوم حق و تکلیف ۷۲

۲-۱-۲. مفهوم مشارکت سیاسی ۷۴

۲. مبانی نظری حق انتخاب ۷۵

۱-۲-۱. مبانی اخلاقی حق انتخاب کردن ۷۵

۲-۲-۲. مبانی اخلاقی حق انتخاب شدن ۷۶

گفتار دوم. حق مشارکت سیاسی در اسناد حقوق بشری ۷۸

مقدمه ۷۸

۱. منشور ملل متحد و مسأله حق مشارکت سیاسی ۷۹

۲. منشور بین‌المللی حقوق بشر و مسأله حق مشارکت سیاسی ۸۰

۳. نظام دموکراتیک، پشتوانه اعتبار قانون ۸۳

۴. حق مشارکت سیاسی و مسأله نظارت ۸۶

فصل چهارم. آزادی بیان ۹۳

۱-۳- بردباری عقیدتی و مذهبی ۱۳۴

۱-۴- کثرت‌گرایی مذهبی ۱۳۶

۱-۵- مفهوم برابری عقیدتی و مذهبی ۱۳۸

۱-۶- ماهیت و مفهوم «حق» در «حق بر آزادی عقیده و مذهب» ۱۳۹

۲. مبانی نظری حق بر آزادی عقیده و مذهب ۱۴۰

۱-۲- طرح موضوع ۱۴۰

۲-۲- مکتب حقوق طبیعی و مسأله آزادی عقیده و مذهب ۱۴۱

۳-۲- مکتب اخلاق کانتی و مسأله آزادی عقیده و مذهب ۱۴۲

۴-۲- مکتب اخلاقی فایده‌گرا و مسأله آزادی عقیده و مذهب ۱۴۳

۵-۲- مکتب اخلاقی فضیلت‌مدار و مسأله آزادی عقیده و مذهب ۱۴۴

گفتار دوم. آزادی عقیده و مذهب در اسناد بین‌المللی حقوق بشر ۱۴۵

۱. خاستگاه آزادی مذهب در اسناد حقوق بشر ۱۴۵

۲. جلوه‌های آزادی مذهب در اسناد حقوق بشری ۱۴۶

۱-۲- حق بر انتخاب مذهب ۱۴۶

۲-۲- حق بر انجام مناسک مذهبی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر ۱۴۸

۳-۲- برابری مذهبی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر ۱۴۸

۴-۲- برابری دینی و مسأله دین رسمی کشور ۱۵۰

۳. محدودیت‌های حق بر آزادی مذهب ۱۵۲

۱-۳- حق انتخاب مذهب: مطلق یا مشروط؟ ۱۵۲

۲-۳- محدودیت‌های موجه بر اجرای مناسک مذهبی ۱۵۴

فصل ششم. حق‌ها و تضمینات رویه‌ای ۱۵۹

پیش‌گفتار ۱۵۹

گفتاریکم. تحلیل مفهومی و مبانی نظری ۱۵۹

۱. تحلیل مفهومی حقوق بشر رویه‌ای ۱۶۱

۱-۱- ماهیت حق‌های رویه‌ای ۱۶۱

۲-۱- ماهیت تعهد دولت‌ها در برابر حق‌های رویه‌ای ۱۶۳

۲. مبانی توجیهی - اخلاقی حق‌ها و تضمینات رویه‌ای ۱۶۴

۱-۲- کلیات ۱۶۴

۲-۲- توجیه بر مبنای فلسفه وجودی تشکیل حکومت ۱۶۵

گفتار دوم. حقوق رویه‌ای در اسناد حقوق بشری ۱۶۶

۱. مقدمه ۱۶۶

۲. حق بر دادخواهی ۱۶۹

۳. برابری در مقابل دادگاه ۱۷۱

۴. اصل محاکمه عادلانه ۱۷۳

۱-۴- تحلیل مفهومی ۱۷۳

۲-۴- اصل بی‌طرفی و استقلال دادگاه ۱۷۴

۳-۴- اصل برابری سلاح‌ها ۱۷۷

۵. فرض برائت ۱۸۰

۶. عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری ۱۸۲

۱-۶- کلیات ۱۸۲

۲-۶- استثنا و توسعه ۱۸۴

۷. علنی بودن محاکمات ۱۸۶

۸. حق بر غرامت ۱۹۰

۹. محدودیت‌ها: حق‌ها و تضمینات رویه‌ای در شرایط اضطراری ۱۹۲

فصل هفتم. حق‌های رفاهی ۱۹۷

پیش‌گفتار ۱۹۷

گفتاریکم. تحلیل مفهومی و مبانی نظری ۱۹۹

۱. تحلیل مفهومی حق‌های رفاهی ۱۹۹

۱-۱- پیش‌درآمد ۱۹۹

۲-۱- ماهیت حق‌های رفاهی: «حق بر» یا «حق از»؟ ۲۰۱

۳-۱- ماهیت تعهد دولت: «تعهد به نتیجه» یا «تعهد به وسیله»؟ ۲۰۵

۴-۱- حق‌های رفاهی: آزادی انتخاب یا منفعت تضمین شده؟ ۲۰۷

۲. مبانی نظری حق‌های رفاهی ۲۰۷

۱-۲- طرح موضوع ۲۰۸

۲-۲- حقوق رفاهی و کرامت انسانی ۲۱۰

۳-۲- توجیه بر مبنای قرارداد اجتماعی ۲۱۱

۴-۲- توجیه بر مبنای حقوق طبیعی: ارزش حیات در قبال حق بر مالکیت ۲۱۳

۵-۲- توجیه فایده‌گرایانه: نفع درازمدت اکثریت ۲۱۵

۶-۲- توجیه فضیلت‌مدارانه: رشد فضیلت‌ها ۲۱۷

گفتار دوم. حق رفاهی در اسناد حقوق بشری ۲۱۷

۲۲۰	۱. پیش درآمدی انتقادی.....
۲۲۰	۲. نگاهی گذرا به مفاد میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.....
۲۲۴	۳. حداقل‌های معیشتی: غذا، مسکن، لباس و ارزش حیات.....
۲۲۴	۳-۱- کلیات و مباحث نظری.....
۲۲۷	۳-۲- حق بر حداقل‌های معیشتی در اسناد حقوق بشری.....
۲۳۰	۴. حداقل‌های درمانی-بهداشتی: سلامتی و ارزش حیات.....
۲۳۰	۴-۱- کلیات و مباحث نظری.....
۲۳۳	۴-۲- حق بر حداقل‌های درمانی-بهداشتی در اسناد حقوق بشری.....
۲۳۶	۵. حداقل‌های آموزشی: آزادی و حیات انسانی.....
۲۳۶	۵-۱- کلیات و مباحث نظری.....
۲۳۸	۵-۲- حق بر حداقل‌های آموزشی در اسناد حقوق بشری.....
۲۳۹	۶. تأمین اجتماعی.....
۲۳۹	۶-۱- کلیات.....
۲۴۲	۶-۲- حق بر تأمین اجتماعی در اسناد حقوق بشری.....
۲۴۶	۷. محدودیت‌های حق‌های رفاهی: تزامن حق‌ها.....
۲۵۰	۸. دولت رفاه و حق‌های رفاهی.....
۲۵۷	بخش دوم. حمایت‌های ویژه.....
۲۵۹	فصل یکم. حقوق زنان.....
۲۵۹	پیش‌گفتار.....
۲۶۰	گفتاریکم. تحلیل مفهومی و مبانی نظری.....
۲۶۰	۱. فمینیسم و حقوق بشر معاصر.....
۲۶۲	۲. مبانی نظری برابری زن و مرد در بهره‌مندی از حقوق انسان.....
۲۶۴	گفتار دوم. حقوق زنان در اسناد حقوق بشری.....
۲۶۴	۱. طرح موضوع.....
۲۶۵	۲. چرا کنوانسیون جداگانه‌ای برای زنان؟.....
۲۶۶	۳. نگاهی کوتاه به مفاد کنوانسیون حقوق زنان.....
۲۶۸	۴. کمیته رفع تبعیض ضد زنان.....
۲۶۸	۵. تفکیک قلمرو عمومی و خصوصی و تأثیر آن بر وضعیت زنان.....
۲۷۱	فصل دوم. حقوق کودکان.....

۲۷۱	پیش‌گفتار.....
۲۷۲	گفتاریکم. تحلیل مفهومی و مبانی نظری.....
۲۷۲	۱. مفهوم کودک.....
۲۷۷	۲. مبانی نظری حقوق کودک.....
۲۷۹	۳. تفکیک قلمرو عمومی و خصوصی و تأثیر آن بر حقوق کودکان.....
۲۸۳	گفتار دوم. حقوق کودکان در اسناد حقوق بشری.....
۲۸۳	۱. چرا سند جداگانه برای حقوق کودک؟.....
۲۸۴	۲. نگاهی گذرا به مفاد کنوانسیون حقوق کودک.....
۲۹۰	۳. کمیته حقوق کودک.....
۲۹۳	فصل سوم. حقوق معلولان.....
۲۹۳	به جای طرح موضوع.....
۲۹۴	پیش‌گفتار.....
۲۹۵	گفتاریکم. تحلیل مفهومی و مبانی نظری.....
۲۹۵	۱. کدان معلول؟!.....
۲۹۷	۲. معلولیت‌های ذهنی: وضعیتی متفاوت.....
۳۰۰	۳. کدام حق؟!.....
۳۰۱	۴. کدام تکلیف؟! رفتار به مثابه برابر و نه رفتار برابر.....
۳۰۳	گفتار دوم. مبانی نظری.....
۳۰۳	۱. ارزش حیات و حق‌های معیشتی و بهداشتی.....
۳۰۴	۲. حق‌های مدنی و سیاسی.....
۳۰۷	گفتار سوم. محتوای حق‌ها و آزادی‌ها.....
۳۰۷	۱. نگاهی گذرا به کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت.....
۳۱۰	۲. حساسیت‌های دینی: معلولان و بهداشت باروری.....
۳۱۱	۳. حق‌ها و آزادی‌های معلولان در سایر اسناد حقوق بشری.....
۳۱۷	فصل چهارم. حقوق اقلیت‌ها.....
۳۱۷	پیش‌گفتار.....
۳۱۸	گفتاریکم. تحلیل مفهومی و تبیین ماهوی.....
۳۱۸	۱. مفهوم اقلیت.....
۳۲۰	۲. ماهیت حقوق اقلیت‌ها.....
۳۲۱	۳. مفهوم حق بر هویت.....

گفتار دوم. حق‌ها و آزادی‌های اقلیت‌ها در اسناد حقوق بشری ۳۲۲

۱. منابع حقوق اقلیت‌ها ۳۲۲

 ۱-۱- منابع عام ۳۲۲

 ۱-۲- منابع خاص ۳۲۴

۲. محتوای حق‌ها و آزادی‌ها ۳۲۴

 ۱-۲- طرح موضوع ۳۲۴

 ۲-۲- حقوق عام ۳۲۵

 ۳-۲- حقوق ویژه ۳۲۹

فصل پنجم. حقوق پناهندگان ۳۳۳

گفتار یکم. تحلیل مفهومی و تفکیک ماهوی ۳۳۳

۱. تعریف پناهنده در کنوانسیون ۱۹۵۱ اصلاح شده توسط پروتکل ۱۹۶۷ ۳۳۳

۲. تفکیک مفهوم پناهنده از مفاهیم مشابه ۳۳۵

۳. پناهندگی دیپلماتیک ۳۳۶

گفتار دوم. حقوق و تکلیف پناهندگان در اسناد حقوق بشری ۳۳۷

۱. منابع حقوق پناهندگی ۳۳۷

۲. حقوق پناهنده ۳۳۹

۳. اصل منع اخراج یا اعاده ۳۴۱

۴. تکالیف و تعهدات پناهنده در کشور میزبان ۳۴۲

فصل ششم. حقوق بشردوستانه و اموال فرهنگی در آیین حقوق بشر معاصر ۳۴۵

پیش‌گفتار ۳۴۵

گفتار یکم. حقوق بشردوستانه ۳۴۷

۱. تاریخچه و منابع حقوق بشردوستانه ۳۴۷

۲. کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو ۳۵۰

 ۱-۲- اصول مشترک ۳۵۰

 ۲-۲- ماده سه مشترک: نقطه پیوند هنجاری حقوق بشردوستانه و حقوق بشر معاصر ۳۵۴

 ۳-۲- نگاهی گذرا به سایر مفاد کنوانسیون‌های چهارگانه ۳۵۶

۳. دیوان کیفری بین‌المللی: نقطه پیوند سازمانی حقوق بشردوستانه و حقوق بشر معاصر ۳۶۱

گفتار دوم. حقوق بشردوستانه و مسأله حفاظت از میراث فرهنگی ۳۶۳

۱. طرح موضوع ۳۶۳

۲. مبانی توجیهی تعهد به محافظت از بناهای فرهنگی ۳۶۴

۳. نگاهی گذرا به کنوانسیون ۱۹۵۴ و پروتکل الحاقی ۳۶۵

□ تمایه ۳۶۹

□ اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای ۳۸۱

□ فهرست منابع ۳۸۵

پیش درآمد^۱

به نام خالق عشق، صلح و همبستگی

«حقوق بشر»: جدال «حق» و «سیاست»

«حقوق بشر»^۲، هم با «اخلاق» مرتبط است، هم با «حقوق»^۳، زیرا هم با ارزش‌هایی مثل عدالت، برابری، آزادی و همبستگی سروکار دارد، و هم با فرایندهای شناسایی حق، آیین‌های اعمال حق و نظام‌های تضمینی آن.

از این رو، کسره‌ای که بر ملا بست مضاف (حقوق) و مضاف‌الیه (بشر) دلالت دارد، از همین معنای مضاعف خبر می‌دهد: در یک صورت، این کسره به معنای آن است که مضاف مخصوص مضاف‌الیه و متصل و متعلق بدان است. «حقوق بشر» در این معنا نوعی اضافه تخصیصی است که از عناصر اصلی وجود انسان، یعنی جسم و تفکر او حکایت دارد. مثل حق بر حیات، ممنوعیت شکنجه، حق به دادخواهی، آزادی فکر و وجدان و دین، و حق به رأی دادن. این دسته از حقوق که موضوع آن‌ها حفظ تمامیت جسمی و معنوی، آزادی و امنیت شخص انسانی است، و گاه آن‌ها را «حقوق - اختیارات» یا «حقوق - آزادی‌ها» نام نهاده‌اند، قضا یا محدوده آزادی و خواسته‌های شخص انسانی را معین می‌کند که «دولت» باید به حریم آن احترام بگذارد و داخل آن نشود، مگر برای حفظ آن حقوق. «حقوق - آزادی‌ها» را «حقوق مدنی و سیاسی» نیز خوانده‌اند.

اما در صورت دیگر، این کسره نشانه وجود اضافه نسبی است و از حقوقی خبر می‌دهد که با شرایط حیاتی و لازم زیست هر انسان که بیرون از عناصر اصلی وجود اوست، سروکار دارد؛ و تعهداتی خاص بر گردن جامعه و دولت می‌گذارد، مثل حق کار کردن، تأمین اجتماعی، دسترسی به حداقل و وسائل تأمین معیشت مادی، حق حفظ سلامتی، حق آموزش و... این

دسته از حق‌ها که «حقوق - مطالبات» یا «حقوق - مشارکت‌ها» نام دارند و متضمن شرایط لازم برای رفاه و رشد و شکوفایی شخص انسانی در جامعه است، با مداخله «دولت» ملازمت دارد. «دولت» در این حیثه «بدهکار» هر شخص انسانی است. بدین ترتیب، محتوای «حقوق بشر» بسیار متنوع است. نیز، به حکم منطق، هیچ چیز مانع آن نیست که به تناسب اوضاع و احوال اجتماعی، قلمرو این حقوق هر روز گسترده‌تر گردد و در نتیجه، عرصه جدیدی به نام «حقوق بشریت»، مثل حق مردم در تعیین سرنوشت، حق بر توسعه، حق بر صلح، و حق بر زیست سالم و سعادت‌مندانه به روی مردم جهان گشوده شود. ژژ

الف. حق‌های بشری و ارزش‌های اخلاقی: در آن‌جا که «حقوق بشر» را با تکیه بر ارزش‌های اخلاقی صرف مطالعه می‌کنیم، الزاماً با زبان حقوق بشر سرو کار داریم. با آنکه نباید اسیر و بنده این زبان شد، هیچ‌کس از آن خلاصی ندارد. فقط فلاسفه‌اند که با این زبان گلاویز می‌شوند و آن را نقد و تحلیل می‌کنند. علت آن است که کار فلسفه اصولاً نظم دادن به زبان است؛ کوششی است برای دیدن کلیت این جهان. از همین روست که فیلسوف جهان را به اجزای خود باز می‌گرداند و دوباره آن‌ها را با تعبیرات اصلی زبان به یکدیگر متصل می‌کند. هر نظام فلسفی الزاماً دارای این ساختار زبان‌شناختی است. انتقاد از این ساختار هم فقط با فلسفه امکان‌پذیر است. در زندگی روزمره ما کسانی هستند که از خود یا دیگران پرسیده‌اند که «آزادی» کدام است؟ «عدالت» چیست؟ و «برابری» در کجا میسر است؟ البته، این‌گونه سؤالات نوعاً دردسرافزین است. حالا اگر کسی جسارت کند و بگوید که برابری با مالکیت سازگار نیست و اهمیت دادن به مفهوم «برابری فردی» مفهوم «برادری» را تضعیف می‌کند، به یقین وارد سرزمین فلسفه شده و تفکر فلسفی او آغاز گشته است. البته برای یافتن پاسخ این سؤالات نباید به فرهنگ‌نامه‌ها و لغت‌نامه‌ها مراجعه کرد. باید دید که این مفاهیم چه کارکردی دارند و ارتباط آن‌ها با دیگر مفاهیم سیاسی مثل «همبستگی» و «تبادل» و «امنیت حقوقی» چیست. بنابراین، برای آنکه بتوان ارزش‌های اخلاقی مرتبط با «حقوق بشر» را فهم کرد، در وهله نخست باید دید که ماهیت این مفاهیم چیست؟ و در وهله دوم به این پرداخت که چگونه می‌توان آن‌ها را دانست؟ در طی این طریق چه به سرمنزل مقصود برسیم، چه نرسیم، کارمان باید فقط بر دلایل استوار و منسجم منطقی اتکا داشته باشد. تفاوت دین با فلسفه در همین جاست: در دین، بر ایمان و مکاشفه و اطاعت از اوامر پروردگار عالم تأکید می‌کنند و در فلسفه بر استدلال و فهم مستقل.^۱ فلسفه با علم هم تفاوت دارد. در علم با مشاهده و تجربه به نتیجه می‌رسند؛ اما

در فلسفه، فارغ از هرگونه تجربه و مشاهده، فقط به دنبال یافتن ماهیات اموراند، هرچند که برای یافتن این ماهیات از عقل مدد بگیرند. فی‌المثل برای فهمیدن اینکه آیا زمان آغاز دارد یا نه، فلسفه از عقل استمداد می‌طلبد، اما خود را در قالب روش‌های علمی محصور نمی‌کند.

ب. تعیین «حقوق بشر در نظام‌های داخلی»: حال باید دید که چگونه این ارزش‌های متعالی در قالب قواعد حقوقی متعین و سپس تضمین می‌شوند.

«حقوق» ناظم روابط هر پدیدار اجتماعی^۲ است، و بدین لحاظ جزء لاینفک آن به شمار می‌آید. در چنین مقامی، «حقوق» فی‌نفسه «غایت» نیست و لزوماً در غایتی وسیع‌تر که همان نظم مطلوب حیات مشترک اجتماعی باشد، ادغام می‌گردد. با توجه به این غایت متعالی، «حقوق» هرچند که خود متضمن ارزش‌هایی خاص است، اما نهایتاً و از این طریق، وسیله تحقق نظم مطلوب اجتماعی می‌شود. هم از اینجاست که ارزش‌های اساسی حقوق، مثل «عدالت»، «تبادل»، یا «امنیت حقوقی» تابع ارزش‌های برتر و بیرون از خود می‌شوند. این «ارزش‌ها» چیزی نیست جز همان «ارزش‌های مقوم وجود انسان» که اصطلاحاً به آن‌ها «حقوق بشر» می‌گویند. نتیجه چنین احتجاجی طبعاً آن است که «سیاست» بر «حقوق» اولویت دارد، و «حقوق» وسیله‌ای است که حیات اجتماعی را در جهت ارزش‌های بیرونی و متعالی بشری که «سیاست» حد و حدود آن‌ها را معین می‌کند، سامان و سازمان می‌دهد. مسلم است که در چنین وضعی «حقوق» به استخدام «سیاست» درمی‌آید و در نتیجه باید از خط و خطوطی که «سیاست» به دور «حقوق بشر» می‌کشد، خارج نشود. با این حال، «سیاست» فقط تا همین حد بر «حقوق» اولویت دارد، و در آن‌جا که «سیاست» بخواهد با استقرار حکومت قانون «حقوق بشر» را متعین سازد یا، به تعبیر علمای حقوق، صورت‌بندی^۳ کند باید تابع استلزامات این «ارزش‌ها» باشد. به بیان دیگر، «ارزش‌های بشری» خود رأساً محدوده قواعدی را که قرار است آن‌ها را متعین سازند ترسیم می‌کنند. معلوم است که در چنین محدوده‌ای «خودکامگی» نمی‌تواند معنا و مفهومی داشته باشد. البته و صد البته، چنانچه حکومت قانون استقرار نیابد یا شرایط استقرار آن فراهم نیاید، این ارزش‌ها در جهت تأمین خواسته‌های «قدرت» فعال می‌شوند و در اندک زمان، ماهیت خود را از دست می‌دهند. تمامی تمهیداتی که در جامعه بین‌المللی برای یکدست کردن شیوه‌های حمایت از این «حقوق» صورت گرفته، ایجاد زمینه برای بیداری ضمیر انسان‌ها، باز شدن فضای حیاتی سالم و نهایتاً استقرار «حکومت قانون» بوده است.